



شیخ الشهداء

♦ آیت الله شهید شیخ محمد صدوقی



شهید آیت الله صدوقی که به حق شیخ الشهداء و سومین شهید محراب نامیده شده است، نماینده امام خمینی (رحمه الله) در استان و امام جمعه یزد بود. در آخرین نماز جمعه‌اش که مصادف با دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۲ مطابق با یازدهم تیرماه ۱۳۶۱ بود، بعد از ادای فریضه جمعه، در حالی که جایگاه را ترک می‌کرد، منافق قسی‌القلب به ایشان نزدیک شد و با به آغوش کشیدن آن پیر زاهد و منفجر کردن نارنجکی که در دست داشت، ایشان را به شهادت رساند و این همان معراج سریع به سوی الله بود که ایشان آرزویش را داشت و بارها از خدا خواسته بود.

ولادت: خاستگاه و خانواده

به سال ۱۳۲۷ هجری قمری در یزد و در خانواده‌ای روحانی، کودکی زاده شد که او را محمد نام نهادند. پدرش، مرحوم آقامیرزا ابوطالب، از عالمان وارسته آن زمان بود که در مسجد روضه محمدیه، معروف به حظیره، اقامه جماعت می‌کرد.

شهید آیت الله صدوقی از یاران صدیق و باوفا و سی‌ساله امام امت بود. او یار امام و یاور ملت محروم بود که به حق در عمل نشان داده بود. او مردی از سلاله پاک تشیع علوی و ادامه دهنده راه حضرت علی (علیه السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و ائمه بود. شهید صدوقی عابدی مخلص و زاهدی بی‌ریا بود. از کار شبانه‌روزی و در خدمت مردم بودن هیچ احساس خستگی نمی‌کرد و مقاوم بود.



پدر بزرگش، میرزا محمدرضا کرمانشاهی نیز مرجع حل مشکلات مردم و از روحانیان دامنه وسیع کویر بود. او نیز فرزند مرحوم آخوند ملامحمد مهدی کرمانشاهی بود که از سوی فتحعلی شاه قاجار به یزد تبعید شده بود و به سال ۱۳۳۶ هجری قمری در آن شهر دار فانی را وداع گفت. نسب شریف «صدوقی» بر اساس آنچه بر سنگ مزار آخوند ملامهدی کرمانشاهی حک شده است، به دانشمند والای شیعه، شیخ جلیل فقیه، ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق می‌رسد.

تحصیلات: درس و مدرسه

ایشان پس از تحصیلات ابتدایی در مکتب خانه، در حدود سیزده سالگی تحصیلات علوم دینی را در مدرسه عبدالرحیم خان آغاز کرد و مقدمات، منطق و بخشی از سطوح فقه و اصول را نزد حضرات آیات سید علی محمد کازرونی، غلامرضا فقیه خراسانی، علی بمان واعظ، محمد شریعتمداری و محمد زارچی فرا گرفت. وی در سال ۱۳۰۸ ش به منظور ادامه تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسه چهارباغ (مدرسه امام صادق (علیه السلام) کنونی) اقامت گزید، اما پس از یک سال به سبب اوضاع نامساعد جوی و سرمای شدید به یزد و از آنجا به قم عزیمت کرد. او در آنجا دروس سطح و خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات: شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری، سید محمد حجت، میرزا محمد همدانی، سید شهابالدین مرعشی نجفی و سید حسین بروجردی فرا گرفت و به درجه اجتهاد نایل آمد.

صدوقی در حوزه علمیه قم همزمان با تحصیل، به تدریس لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداخت و به دلیل استعداد و حافظه سرشار و بیان علمی و دقیق، از حوزه درس پررونقی برخوردار گشت. حضرات آیات علامه محمدتقی جعفری، شهید مرتضی مطهری، شهید علی قدوسی، شهید

سید مصطفی خمینی، محمدفاضل لنکرانی، احمد جنتی، محمدرضا مهدوی کنی و محمد محمدی گیلانی از شاگردان او بودند.

اقامت در شهر قم ۲۱ سال به طول انجامید. مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس و مدیر حوزه علمیه قم وقتی که در قم وی را شناخت، مورد لطف و محبت خود قرار دادند. پیشرفتش در تحصیل خیلی خوب بود تا این که در سال ۱۳۵۵ قمری آیت الله حائری از دار دنیا رفتند. بعد از درگذشت ایشان، در اثر فشار پهلوی که می‌خواست همه اهل علم را از لباس روحانی خارج کند، اوضاع بر اهل علم خیلی سخت شد.

در سال ۱۳۳۰ شمسی که برای انجام کاری به یزد آمد، مرحوم حاج آقا وزیری، از روحانیون سرشناس یزد، پیشنهاد ماندن را به وی داد و در این باره خیلی سعی و کوشش نمود و تلگراف‌هایی هم به قم شد. آقایان هم با این که در پاسخ تلگراف نوشته بودند که ماندن در قم ضرورتش بیشتر است، مع الوصف پذیرفتند و ایشان برای همیشه وارد یزد شد.

مبارزات و فعالیت‌ها:

شهید صدوقی از طرفداران جدی فدائیان اسلام بود. منزل ایشان پناهگاه شهید نواب صفوی و یارانش بود. او در عین این که به تدریس اشتغال داشت، تحصیل هم می‌کرد و گاه برای امرار معاش خود در منطقه عباس‌آباد قم به کشاورزی می‌پرداخت. ایشان در پی درخواست‌های مکرر مردم یزد به این شهر مهاجرت کرد و مورد استقبال بی‌نظیر مردم قرار گرفت. با ورود به یزد حوزه درس تشکیل داده و خدمات عمرانی بسیاری انجام داد. از سال ۴۱ تا سال ۴۳ به عنوان عنصری مبارز، نقش هماهنگ کننده روحانیون و مردم با اقدامات امام را بر عهده داشت. پس از تبعید امام، مبارزات وسیعی را آغاز کرد. بیانیه و اطلاعیه می‌داد و به

همراه اطلاعیه‌های امام به شهرهای دیگر می‌فرستاد و مردم و علما را به مبارزه دعوت می‌کرد.

ایشان علاقه داشتند که کارهای مردم را خود مستقیماً انجام دهند و با مردم روبرو شوند، ولی از ۵-۶ سال به این طرف که نسبتاً حالت ضعفی پیدا کردند، قرار شد دفتر باز کنند و کارها که سنگین شد به آنجا رجوع شود و سپس مسئول دفتر با ایشان در تماس دائم باشند و مسائل و مشکلات مردم را حل نمایند، تا این که مسئله انقلاب پیش آمد و در سال ۵۷ که چهل و تبری‌ها در یزد گرفته شد و ایشان از آن به بعد و هر شب در مسجد حظیره و پس از اقامه نماز صحبت می‌کردند و مردم هم سراپا گوش و آماده برای همه چیز می‌آمدند و از بیانات ایشان بر علیه رژیم منفور پهلوی استفاده می‌کردند و اکثر شب‌ها مردم خبر می‌آوردند که ساواک می‌گیرد و می‌بندد و تبعید می‌کند و چنین و چنان می‌کند و ایشان می‌فرمودند من برای همه کار آمادگی دارم و لباس‌های مرا آماده کنید که اگر قرار است من تبعید شوم، بروم. در این ایام مرتب جوان‌های پرشور و انقلابی و مسلمان یزد هر شب با وسایل مختلف از قبیل سنگ و چوب و شیشه بنزین می‌آمدند و می‌رفتند پشت بام حضرت آیت الله و تا صبح آمادگی هر گونه دفاع در مقابل حمله خون‌آشامان یزیدی را داشتند.

مسئولیت‌ها:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایشان برای تدوین قانون اساسی راهی مجلس خبرگان شدند و پس از آن به عنوان نماینده امام و امام جمعه به شهر یزد رفتند. درایت و مدیریت ایشان باعث شد استان یزد از کمند توطئه‌ها دور بماند. ایشان در برهم چیدن خانه‌های تیمی منافقین نقش به سزایی داشتند. با وجود کبر سن در جبهه حضور می‌یافتند و باعث شور و نشاط در جبهه‌ها می‌شدند. حضور ایشان در عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر همیشه در یادها زنده است.

* مقام معظم رهبری

در مورد شجاعت

شهید صدوقی

می‌فرماید: «از جمله

نشانه‌های شجاعت

ایشان آن بود که

در یزد، اعلامیه‌های

آیت الله صدوقی،

اعلامیه‌هایی بود

که اولاً در سطح

ایران منتشر شد و

ثانیاً مضامین تند و

راه‌گشایی داشت و

در هر قضیه‌ای خیلی

زود عکس‌العمل

نشان می‌داد. مثلاً

ایشان با هوشیاری

کامل و پرهیز از

دادن تلفات در

طول این دوران،

مسجد حظیره را به

پایگاهی مستحکم

برای انقلاب

تبدیل کردند.»

روحانیت مبارز پرداخت و هنگام خطر، خانه خود را پناهگاه امن آنان قرار داد. فرزند ایشان می‌گوید: «یکی از جاهایی که شهید راه اسلام نواب صفوی به عنوان پناهگاه انتخاب می‌کردند، منزل پدرم بود و مشخص است پناه دادن به شخصی که از نظر رژیم باید محاکمه و اعدام گردد، جرئت و شهامت فوق‌العاده می‌خواهد.»

۴. نقش محوری در انقلاب

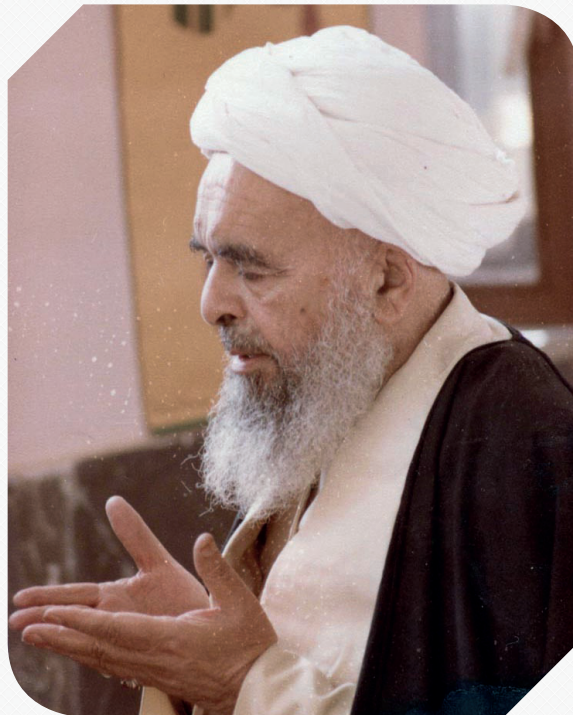
مقام معظم رهبری در مورد نقش محوری شهید آیت‌الله صدوقی در پیشبرد اهداف انقلاب چنین می‌فرماید: «در طول یکی دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مرحوم آیت‌الله صدوقی، محوری بود برای بیشتر فعالیت‌های نه فقط یزد، بلکه در سراسر کشور. این به‌خاطر این بود که آیت‌الله صدوقی، شخصیت عینی روحانی محترم و معتبری بود که نظرات ایشان و پیشنهادهای ایشان در امور شهرستان‌های دیگر هم اثر می‌گذاشت. غالباً مورد مشاوره قرار می‌گرفت و طبق نظر ایشان حتی در تهران عمل می‌شد.»

۵. در اندیشه مسلمانان

از ویژگی‌های شهید صدوقی، نگاه ایشان به تمام زوایای جهان به ویژه جهان اسلام بود. آن شهید بزرگوار با اطلاع دقیق از محیط و زمان، خود را به عنوان یک برادر دلسوز، برای همه مسلمانان جهان می‌دانست و در برابر وضعیت و تفکر مسلمان دیگر کشورها، حساس بود. ایشان در اطلاعیه‌ها و پیام‌هایی که به ملت‌های مسلمانان جهان می‌فرستاد، با تکیه بر نقش استکبار جهانی در ایجاد تفرقه میان مسلمانان، مؤمنان را از حس خودپرستی برحذر می‌داشت و محبوب‌ترین انسان‌ها را نزد خداوند، باتقواترین افراد معرفی می‌کرد.

۶. عشق و علاقه به اهل بیت (ع)

روش زندگی و سخنانی که از شهید صدوقی به یادگار مانده، بیانگر ارادت خاص ایشان به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه اطهار است. شهید صدوقی از آغاز تشکیل خانواده، همواره مقید بود که یک روز در هفته، مجلس سوگواری و ذکر



ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری:

۱. عالمی‌بیدار دل

اندیشه و عملکرد شهید صدوقی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمونه رفتار عالمی‌بیدار دل و انقلابی است. برخی از این فعالیت‌ها عبارت است از: تدوین قوانین اساسی با عضویت در مجلس خبرگان؛ مخالفت با جریان‌های انحرافی پس از پیروزی؛ مشورت دادن به بزرگان سیاسی کشور؛ هدایت ائمه‌جمعه سراسر کشور در قالب تشکیل شورای ائمه‌جمعه؛ موضع‌گیری‌های صریح و شفاف در مورد مسائل مهم کشور؛ اهتمام و پی‌گیری در تشکیل مراکز مهمی مثل مراکز آموزشی عالی، کشاورزی، تربیت بدنی، سپاه، بسیج و ...

۲. شجاعت

شجاعت و شهامت شهید صدوقی در مبارزه با طاغوت، زبازند همگان است. شیوه برخورد او با رژیم و جاسوسان آن به گونه‌ای بود که دشمن نمی‌توانست از شیوه عمل مبارزاتی او و طرفدارانش آگاه شود. یکی از جنبه‌هایی که می‌توان شجاعت کم‌نظیر ایشان را درک کرد، دیدار از تبعیدی‌ها و

حمایت‌های مادی و معنوی از آنان بود. اقتدار و خشم انقلابی ایشان زبازند بود، به گونه‌ای که گاه با نگاه‌های نافذ خویش و زمانی با استمداد از قلم و نگارش توانای خود، نقطه ابهامی باقی نمی‌گذاشت. ذهن توانمند او، قدرت تدبیر آینده را داشت و در تصمیم‌گیری، دریادل و متوکل به ذات خدای توانای خود بود.

مقام معظم رهبری در مورد شجاعت شهید صدوقی می‌فرماید: «از جمله نشانه‌های شجاعت ایشان آن بود که در یزد، اعلامیه‌های آیت‌الله صدوقی، اعلامیه‌هایی بود که اولاً در سطح ایران منتشر شد و ثانیاً مضامین تند و راه‌گشایی داشت و در هر قضیه‌ای خیلی زود عکس‌العمل نشان می‌داد. مثلاً ایشان با هوشیاری کامل و پرهیز از دادن تلفات در طول این دوران، مسجد حظیره را به پایگاهی مستحکم برای انقلاب تبدیل کردند.»

۳. همکاری با فداییان اسلام

موج توفنده جریان فداییان اسلام و شور هیجانی که میان مردم و حوزه‌های علمیه ایجاد کرد، شهید صدوقی را نیز به خود کشاند. او از جمله عالمانی بود که به حمایت از این نهضت جوشیده از متن



فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را در منزل برگزار کند. او حتی در دوران اختناق رضاخان نیز از این روش پسندیده دست برنداشت و با برپایی این مجالس، مردم را در راه خوشه‌چینی از فضایل و برکات ذکر اهل بیت (علیهم السلام) یاری می‌رساند.

۷. روح جوان‌پذیری

شهید آیت‌الله صدوقی، نه تنها با احترام به بزرگان، مقام آنان را در اجتماع ارج می‌نهاد؛ بلکه در جذب جوانان و تربیت آنان نیز تلاش وافر از خود نشان می‌داد. زمانی که آن بزرگوار به یزد آمد، حدوداً ۴۵ ساله بود، ولی چنان با نسل جوان صمیمی گردید که بیشتر شرکت‌کنندگان در نماز جماعت ایشان، جوانان بودند. شهید صدوقی می‌دانست که با ورود جوانان به مساجد، آن‌ها آداب و سنت‌های اسلامی را فرا می‌گیرند و در محیط مسجد و مسجدیان، پایبندی بیشتری به اسلام از خود نشان خواهند داشت.

۸. معلم شجاعت

یکی از ویژگی‌های بارز شهید صدوقی، شجاعت منحصر به فرد ایشان در مبارزه با رژیم شاه و پس از انقلاب بود. مقام معظم رهبری در مورد شجاعت ایشان می‌فرمایند: «بنده از تبعید برمی‌گشتم. وقتی به یزد سفر کردم و وارد مسجد ایشان شدم، دیدم مثل این‌که این‌جا جزء محیط اختناق کشور ایران نیست. توی مسجد اعلامیه‌هایی زده بودند خیلی آزاد. همه می‌آمدند و می‌خواندند... (که) دارای مضامین فوق‌العاده تحریک‌آمیزی بود... یا طریقه ساختن «کوکتل مولوتف» یا «نارنجک دستی»... را زده بودند پشت شیشه مسجد... خود (شهید صدوقی) هر شب منبر می‌رفت و جمعیت انبوهی در مسجد جمع می‌شدند و با بیانات خودش ارشاد می‌کرد و به طور صریح علیه مقامات سخن می‌گفت. این روحیه شجاعانه آیت‌الله صدوقی، مردم یزد را هم شجاع کرده بود.»

۹. مدیری مدبر

شهید صدوقی، دانشوری اندیشمند و مدیری توانا بود که با حق‌مداری و مردم‌داری در مدیریت بحران‌ها، کارهای شگفتی از خود نشان می‌داد. وی با تأکید بر رعایت حدود الهی و پافشاری

* شهید صدوقی، دانشوری

اندیشمند و مدیری توانا بود

که با حق‌مداری و مردم‌داری

در مدیریت بحران‌ها، کارهای

شگفتی از خود نشان می‌داد. وی

با تأکید بر رعایت حدود الهی و

پافشاری بر حفظ ارزش‌ها، مردم

را جذب می‌کرد و در عین حال، با

مُدارای خود اصول دینی و اخلاقی

آنان را متزلزل نمی‌ساخت. شهید

صدوقی با راهنمایی‌های خود،

بحران‌های پیچیده جامعه را به

گونه‌ای حل و فصل می‌کرد که

اصول دینی خدشه‌دار نشود.

بر حفظ ارزش‌ها، مردم را جذب می‌کرد و در عین حال، با مُدارای خود اصول دینی و اخلاقی آنان را متزلزل نمی‌ساخت. شهید صدوقی با راهنمایی‌های خود، بحران‌های پیچیده جامعه را به گونه‌ای حل و فصل می‌کرد که اصول دینی خدشه‌دار نشود.

۱۰. شهید صدوقی و بنی‌صدر

مرحوم صدوقی دقیقاً در جهت خط امام بود، مواضع سیاسی ایشان بسیار مواضع سیاسی درستی بود. مثلاً از زمانی که بنی‌صدر مطرح بود، بعضی در گوشه و کنار از افراد خوب و مؤمن بودند که دچار اشتباه شدند و برای مدت کوتاه و یا بلندی درباره بنی‌صدر با نگاه موافق نگاه کردند. چند نفر از ائمه جمعه معروف و بزرگ بودند که حتی یک لحظه هم دچار این اشتباه نشدند، از جمله مرحوم آیت‌الله صدوقی بود. البته مرحوم آیت‌الله دستغیب و مرحوم آیت‌الله مدنی این دو شهید دیگر محراب هم در این جهت، مثل آیت‌الله صدوقی بودند، یعنی هیچ دچار سلطه و لغزشی در مورد بنی‌صدر نشدند.

۱۱. مصلحت یا شریعت

در مورد ارتباطات مقامات دولتی با سیاست‌های خارجی، ایشان همیشه یک فرد صد درصد ضد آمریکایی بود، یعنی ضد آن

سیاست مهاجم بر انقلاب ما بود و آدمی نبود که اهل نرمش باشد. اگر مصوباتی دقیقاً منطبق بر موازین شرعی نبود، مرحوم آیت‌الله صدوقی با این گونه مصوبات مقابله می‌کرد، یعنی بر روی معیارها و ضوابط شرعی یک اصرار و پافشاری فوق‌العاده‌ای داشت. ایشان یک فرد پایبند به مواضع درست اسلامی و انقلابی، در همه تجربه‌ها از آغاز انقلاب تا آخر بود.

۱۲. پرتلاش و خستگی‌ناپذیر

یکی دیگر از خصوصیات مرحوم صدوقی، خستگی‌ناپذیریش بود. آدمی نبود که بگوید: حالا بالاخره کار خودمان را کردیم و برویم گوشه‌ای بنشینیم. در حمله بیت‌المقدس حاضر بود و همه مردم در تلویزیون دیدند که ایشان چه رزمنده خستگی‌ناپذیری بود و دنبال کار بود و خستگی نداشت.

۱۳. مطیع امام

یک خصوصیت دیگر ایشان که واقعاً مهم بود، این بود که تسلیم و مطیع امام بود. فکرش و عقیده‌اش و عملش در جهت و در خط فکر و عقیده و عمل امام بود و هیچ‌گونه رأی و فکری را بر رأی و فکر امام ترجیح نمی‌داد. به همین دلیل بود که مواضع ایشان از اول انقلاب تا زمان شهادتش یک مواضع صد درصد صحیح و درست بود و آن روح نظرات امام را می‌فهمید، همان‌جور اظهار می‌کرد و همان‌جور عمل می‌کرد.

شهادت:

در یک روز گرم تابستان، ناگهان رسانه‌ها، خبری جانکاه را چنین اعلام کردند: «با کمال تأسف باخبر شدیم که حدود ساعت یک و نیم بعدازظهر امروز جمعه یازدهم تیرماه سال ۱۳۶۱، عالم ربانی و مجاهد خستگی‌ناپذیر آیت‌الله صدوقی، یار امام و امت و نماینده امام و امام جمعه یزد با دهان روزه، در محراب نماز جمعه، به شهادت رسید.» آری چند لحظه پس از پایان نماز جمعه، آیت‌الله صدوقی با زبان روزه و در ۷۵ سالگی به شهادت رسید. بدین‌سان، دفتر عمر سراسر زهد و تلاش و خدمت و جهاد و مبارزه وی بسته شد و حیات جاودان و ابدی او در جوار رحمت الهی آغاز گردید.